



سیمای زکات



محمد مهدی فجری

مقدس بر این بوده که از طریق حلّ مسائل و مشکلات فردی، جامعه را به سمت سازندگی بیشتر و همکاری و تعاون جمعی برای پیشرفت و اعتلای اجتماع اسلامی سوق دهد؛ چراکه پیشرفت افراد در خلاقیتها و حرفه‌های اقتصادی و هرگونه نبوغ در بُعد مادی و روحی مسلماً در تقویت اساس زندگی اجتماعی آحاد مسلمین اثر خواهد گذاشت و از طرف دیگر، عملکردهای مختلف جامعه نیز در رفتار افراد مؤثر است و احکامی مانند: زکات، امیدواری افراد را به همراهی حکومت با آنها افزایش می‌دهد و

دین مبین اسلام مکتبی است جامع که تمام نیازمندیهای مادی و معنوی انسان در دستورات و احکام آن لحاظ شده است؛ از اینرو از همان آغاز و مقارن با تأسیس حکومت اسلامی و طرح احکام عبادی مانند: نماز، حج و روزه، زکات را به عنوان یکی از منابع بیت‌المال واجب گردانید تا از آن در جهت رفع مشکلات اقشار محروم و نیازمند و همچنین توسعه امکانات رفاهی برای عموم مردم و نیز گسترش دین و تقویت دینداری، بهره‌گرفته شود. آنچه از بررسی مصارف زکات به دست می‌آید، این است که نظر شارع

نماز را به پا دارند و [از آنچه به آنها روزی دادیم، پنهان و آشکار] انفاق کنند.»

«يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ»^۲
 «همانها که نماز را به پا می دارند و [در حال رکوع] زکات می دهند.»

۲. اسلام به حاکم جامعه اجازه می دهد مردم را وادار به پرداخت زکات نماید و مأمورانی را برای این کار به مناطق مختلف گسیل دارد و حتی با کسانی که زکات واجبشان را نمی دهند و در مقابل نظام اسلامی جبهه می گیرند، وارد جنگ شود. جنگ اصحاب رده که در زمان یکی از خلفا اتفاق افتاد و حضرت علی علیه السلام آن را امضا و حتی شخصاً یکی از پرچمداران آن بود، در همین راستا است.^۳

۳. عدم پرداخت زکات از اوصاف مشرکین شمرده شده است؛ چنان که قرآن کریم می فرماید:

۱. ابراهیم / ۳۱.

۲. مائده / ۵۵.

۳. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۱۱.

پشتوانه‌ای اجتماعی و سیاسی برای آنها تعبیه می کند.

اهمیت زکات

آنچه امروز در جامعه اسلامی مشاهده می کنیم، غیر از آن جامعه ایده آلی است که اسلام برای ما ترسیم کرده است و هنوز فقر به عنوان یکی از بزرگ ترین مشکلات جامعه مطرح است؛ در حالی که اسلام زکات را مهم ترین راه برای ریشه کنی فقر معرفی کرده است و آن را هم ردیف نماز می داند. متأسفانه این فریضه الهی در جوامع اسلامی به درستی و کمال، شناخته نشده و یا جلوه ضعیفی داشته است.

مؤید این امر که اسلام توجهی خاص به زکات دارد، این است که:

۱. در اکثر آیاتی که نماز مطرح شده، زکات را نیز با تعابیر مختلف در کنار آن مشاهده می کنیم که بدین ترتیب همتایی ناگسستنی نماز با زکات در قرآن مشهود است. دو آیه زیر از آن جمله هستند.

«يَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا»^۱؛ «[به

بندگان من که ایمان آورده اند بگو:]

زکات را به آنها وحی کردیم.»
مطالب دیگری که از مفاهیم
قرآنی در رابطه با زکات می‌آموزیم،
عبارت‌اند از:

۱. احیای زکات، وظیفه نظام اسلامی

قرآن مجید احیا و ترویج زکات را
به عنوان وظیفه‌ای اساسی برای
مسئولین نظام اسلامی مقرر داشته و در
بیان آن فرموده است:

«الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا
الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ»^۱؛ «[مؤمنان و یاران
خدا] همان کسانی [هستند] که هرگاه
در زمین به آنها قدرت و امکانات
دهیم، نماز برپا می‌دارند و زکات
می‌دهند.»

به تعبیر روشن‌تر، آن کسانی که
در زمین تمکنی پیدا می‌کنند و توانایی
آن را دارند تا هر برنامه‌ای که بخواهند
انجام دهند، می‌بایست جامعه صالحی
به وجود آورند که در آن جامعه، نماز

«وَقِيلَ لِلْمُشْرِكِينَ * الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ
الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ»^۱؛ «وای بر
مشرکان، همان کسانی که زکات
نمی‌دهند و آنان که به آخرت کفر
می‌ورزند.»

فراگیری زکات

یکی از نکاتی که از آیات قرآن در
مورد زکات به دست می‌آید، فراگیر
بودن آن در تمام ادیان الهی است؛ چنان
که حضرت عیسی علیه السلام در گهواره به
سخن آمد و گفت: «وَأَوْصِنِي بِالصَّلَاةِ
وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا»^۲؛ «خداوند مادامی
که زنده هستم، مرا به نماز و زکات
سفارش کرده است.»

حضرت موسی علیه السلام نیز خطاب به
بنی اسرائیل می‌فرماید: «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ
وَآتُوا الزَّكَاةَ»^۳؛ «نماز را به پا دارید و
زکات بپردازید.»

پیامبران دیگر نیز به این امر
سفارش داشته‌اند: «وَجَعَلْنَاهُمْ أَسْمَةً
يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ
وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ»^۴؛ «و آنان را
پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما
[مردم را] هدایت می‌کردند. و انجام
کارهای نیک و برپا داشتن نماز و ادای

۱. فصلت / ۶ و ۷.

۲. مریم / ۳۱.

۳. بقره / ۴۳.

۴. انبیاء / ۷۳.

۵. حج / ۴۱.

پی می‌بریم که بهتر است زکات واجب به صورت آشکارا و علنی پرداخت شود و در مقابل، پرداخت زکات (صدقات) مستحبی به صورت مخفی انجام گیرد.

شاید سرّ این مطلب آن باشد که زکات واجب، علاوه بر اینکه یک وظیفه عمومی، معمولی و دور از ریا است، موجب تشویق دیگران و نوعی تبلیغ عملی می‌باشد؛ ولی در مقابل چون انفاقهای مستحبی چیزی است که علاوه بر وظیفه همگانی، جنبه ایثار و از خودگذشتگی دارد، مناسب است به صورت پنهانی پرداخت شود تا از ریا و خودنمایی دور مانده، به اخلاص نزدیک‌تر باشد و آبروی گیرنده صدقه را هم محفوظ نگه دارد.

۳. خدا، گیرنده واقعی

﴿أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ﴾^۱ «آیا نمی‌دانند که فقط خداوند توبه را از بندگان می‌پذیرد و صدقات را می‌گیرد.»

برپا داشته و زکات داده شود و امر به معروف و نهی از منکر انجام گیرد.

رابطه با خدا و دستگیری از محرومان و آگاهی دادن به جامعه و جلوگیری از مفاسد، از هم جدا نیستند و از وظایف و کارهای قطعی حکومت اسلامی به شمار می‌روند؛ چه آنکه حاکمان مؤمن، هم در فکر ارتقاء روحی و رشد معنوی جامعه هستند و هم به دنبال رفاه و حلّ مشکلات اقتصادی و فقرزدایی و اصلاح جامعه می‌باشند، که البته چنین جامعه‌ای تحت حمایت خداوند قرار می‌گیرد.

۲. نحوه پرداخت زکات

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهِيَ خَيْرٌ لَّكُمْ﴾^۱ «اگر انفاقها را آشکار کنید، خوب است. و اگر آنها را مخفی ساخته و به نیازمندان بدهید، برای شما بهتر است.»

بعد از روشن شدن اهمیت پرداخت زکات، در این آیه سخن از چگونگی پرداخت زکات (واجب و مستحب) به میان آمده است. با مراجعه به احادیث و کلام مفسرین به این نکته

۱. بقره/۲۷۱.

۲. توبه/۱۰۴.

و واماندگان در راه. این یک وظیفه است و خدا دانا و حکیم است.»

این آیه مبارکه موارد هشت‌گانه مصرف زکات را بر می‌شمارد، و فقرا (کسانی که برای حفظ آبرو از کسی درخواست کمک نمی‌کنند) و مساکین (کسانی که از شدت بینوایی، از دیگران درخواست کمک می‌کنند) را در اولویت قرار می‌دهد؛ چرا که اسلام با تأکید بر رسیدگی به فقرا و مساکین خواستار آن است که اولاً ریشه فقر و فاصله طبقاتی در جامعه اسلامی خشکانده شود و ثانیاً افراد از کار افتاده، یتیمان بی‌سرپرست و معلولین و امثال آنها تحت حمایت قرار گیرند.

البته این نکته لازم به ذکر است که اگر ریشه فقر تن‌پروری، جهل، حقارت، استعمار و استثمار باشد، مورد انتقاد اسلام بوده، زکات به چنین افرادی تعلق نمی‌گیرد.

زکات مربوط به کسانی است که

گیرنده واقعی و حقیقی زکات و صدقات خدا است.

در روایتی از پیامبر اسلام نقل شده که «مَا تَقَعُ صَدَقَةُ الْمُؤْمِنِ فِي يَدِ السَّائِلِ حَتَّى تَقَعَ فِي يَدِ اللَّهِ؛^۱ صدقه پیش از آنکه در دست نیازمند قرار گیرد، به دست خدا می‌رسد.» و در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَكُلُّ بِهِ مَلَكٌ إِلَّا الصَّدَقَةَ فَإِنَّهَا تَقَعُ فِي يَدِ اللَّهِ تَعَالَى؛^۲ همه اعمال آدمی را فرشتگان تحویل می‌گیرند، جز صدقه که [مستقیماً] به دست خدای متعال می‌رسد.»

۴. موارد مصرف زکات واجب

قرآن مجید می‌فرماید: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمَوْلَّفَةِ قُلُوبِهِمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِّنْ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»^۳؛ «زکات مخصوص فقرا و مساکین و کارکنانی است که برای [جمع آوری] آن زحمت می‌کشند، و کسانی که برای جلب محبتشان [زکات داده می‌شود] و برای [آزادی] بـردگان و [ادای دین] بدهکاران و در راه [تقویت آیین] خدا

۱. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، مؤسسه آل

البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹ هـ. ق، ج ۹، ص ۴۳۴.

۲. همان.

۳. توبه / ۶۰.

آثار و برکات فراوانی از زکات در جنبه‌های فردی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... حاصل می‌شود که با مطالعه آنها، علت تأکید و اهتمام اسلام به این فریضه الهی روشن تر می‌گردد. برخی از این آثار عبارت‌اند از:

الف. آثار فردی زکات

ثمراتی که از پرداخت زکات به فرد تأدیه کنند می‌رسد عبارت‌اند از:

۱. دوری از بخل و حرص

یکی از امراض روحی و روانی انسان، بخل و حرص و دلبستگی به مال دنیا است که حضرات معصومین علیهم‌السلام در روایات بسیاری، انسانها را از این بیماری برحذر داشته و راههای مبارزه با آن را برشمرده‌اند. عیوب دیگری همچون بی‌اعتنایی به مردم، سنگدلی، عذرتراشی، دروغ پنداشتن ادعای فقر، سخت‌گیری نسبت به خانواده، توکل داشتن به مال به جای توکل داشتن به رازق متعال، سوء ظن به وعده‌های الهی، از نتایج

توان کار کردن ندارند و یا اگر چنین توانی دارند، تمام تلاش خود را بکار می‌گیرند، ولی نمی‌توانند زندگی خود و خانواده‌شان را تأمین کنند که این فقر، طبیعی و یک آزمایش الهی است؛ همچنان که در قرآن به مساکین و مستمندانی از این قبیل اشاره شده است.

پس نظام اسلامی، نظامی حکیمانه و طبیعی است که در آن بر اساس تفاوت استعدادها، ابتکار و مقدرات الهی جامعه به دو گروه تقسیم می‌شود و نقصها و کمبودهای یک گروه با دستورات واجب و مستحب جبران می‌گردد.

طبق روایات رسیده از ائمه معصومین علیهم‌السلام اگر اغنیا زکات می‌دادند، و اگر حقوق فقرا (از طریق زکات) به آنان پرداخت می‌شد، دیگر هیچ فقیر مسلمانی وجود نداشت: «وَلَوْ أَنَّ النَّاسَ آدَوُا زَكَاةَ أَمْوَالِهِمْ مَا بَقِيَ مُسْلِمٌ فَقِيرًا مُّحْتَاجًا؛ اگر مردم زکات اموال خود را پرداخت می‌کردند، حتی یک مسلمان فقیر و محتاج باقی نمی‌ماند.»^۱

آثار زکات

با بررسی روایات معصومین علیهم‌السلام

۱. من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۳ ه. ق، چاپ سوم، ج ۲، ص ۷.

خیر دیگری می‌بیند و با دید حسرت به آن می‌نگرد؛ چه اینکه مال او بوده. و اگر در راه معصیت خدا صرف شود، معصیت کننده را به وسیله آن تقویت کرده تا با آن مال، معصیت خدا را بکند، [که این نیز مایه حسرت او است].»

در تفسیر نور الثقلین این‌گونه روایت شده است که امام صادق علیه السلام را دیدند که از اول شب تا به صبح، در حالی که مشغول طواف کعبه بود، تنها یک دعا می‌کرد و آن این بود: «اللَّهُمَّ فَنِي شِعْ نَفْسِي؛^۴ خدایا! مرا از بخل حفظ نما.»

۲. برکت در اموال

همان‌گونه که بریدن شاخه‌های درخت انگور نه تنها از بار آن کم نمی‌کند، بلکه موجب پربارتر شدن آن می‌شود، زکات نیز موجب رشد داراییهای انسان می‌گردد؛ چنان‌که رسول خدا صلی الله علیه و آله به فردی که از آن

این بیماری هستند. و جالب آنکه ائمه طاهرین علیهم السلام یکی از راههای پیشگیری و معالجه این بیماری را پرداخت زکات معرفی کرده‌اند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ أَدَّى الزَّكَاةَ فَقَدْ وَقِيَ مِنَ الشُّحِّ؛^۱ هر کس زکات [مال خود را] بپردازد، قطعاً از بخل حفظ شده است.» و نیز آن حضرت در تفسیر آیه «كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسْرَتٍ عَلَيْهِمْ...»^۲ «خداوند اعمالشان را چنین حسرت بار نشانسان می‌دهد...» می‌فرماید: «هُوَ الرَّجُلُ يَدْعُ مَا لَهُ لَا يُنْفِقُهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِخُلَا تَمَّ يَمُوتُ فَيَدْعُهُ لِمَنْ يَغْمَلُ فِيهِ بِطَاعَةِ اللَّهِ أَوْ بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ فَإِنْ عَمِلَ فِيهِ بِطَاعَةِ اللَّهِ فَرَأَهُ فِي مِيزَانٍ غَيْرِهِ فَرَأَهُ حَسْرَةً وَقَدْ كَانَ الْمَالُ لَهُ وَإِنْ كَانَ عَمِلَ بِهِ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ قَوَّاهُ بِذَلِكَ الْمَالِ حَتَّى عَمِلَ بِهِ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛^۳ او مردی است که مال خود را نگه می‌دارد و از انفاق کردن در راه خدا بخل می‌ورزد و سپس می‌میرد و برای کسانی می‌گذارد که یا در راه خدا و اطاعت او صرف می‌کنند و یا در راه معصیت. اگر در راه طاعت خدا مصرف شود که آن را در میزان عمل

۱. مستدرک الوسائل، محدث نوری، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۸ هـ. ق، ج ۷، ص ۳۲.
۲. بقره/۱۶۷.

۳. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۷.

۴. تفسیر نور الثقلین، حویزی، اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ هـ. ق، ج ۵، ص ۳۴۶.

معرفی کرده‌اند. امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «حَصَّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ؛^۵ اموال خود را با زکات دادن نگاهدارید.»

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «حَصَّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ وَأَنَا ضَامِنٌ لِكُلِّ مَا يَتَوَى (مَا يَتَلَفُ وَيُضَيِّعُ) فِي بَرٍّ أَوْ بَحْرٍ بَعْدَ آدَاءِ حَقِّ اللَّهِ فِيهِ مِنَ التَّلَفِ؛^۶ اموال خود را با پرداخت زکات محافظت کنید و من ضامن اموال شما که در دریا و خشکی، تلف و ضایع شود هستم؛ [البته] پس از اینکه حق خدا را پرداختید.»

۴. تزکیه و تربیت

فلسفه تشریح احکام و دستورات دینی، تهذیب انسان و رساندن او به کمال است. دقت در معنای لغت زکات، به خوبی ارتباط و جوب زکات را با این هدف تبیین می‌کند؛ چرا که معنای زکات، طهارت و پاکیزگی و

حضرت خواست که عملی به او یاد دهد تا مورد رحمت و برکت خداوند قرار بگیرد، فرمود: «إِذَا أَرَدْتَ أَنْ يَثْرِيَ اللَّهُ مَالَكَ فَزَكَّهُ؛^۱ هر گاه خواستی خداوند دارایی تو را زیاد کند، زکات آن را بپرداز.»

و امام حسن علیه السلام فرمود: «مَا نَقَصَتْ زَكَاةً مِنْ مَالٍ قَطُّ؛^۲ پرداخت زکات هرگز چیزی از ثروت کم نمی‌کند.»

امام باقر علیه السلام نیز زکات را موجب افزایش رزق دانسته و می‌فرماید: «الزَّكَاةُ تُزِيدُ فِي الرِّزْقِ؛^۳ زکات دادن روزی را زیاد می‌کند.»

و حتی امام صادق علیه السلام تضمین کرده است که زکات پرداخته شده، جبران می‌شود: «يَا مُفَضَّلُ قُلْ لِأَصْحَابِكَ يَضْعُونَ الزَّكَاةَ فِي أَهْلِهَا وَأَنَا ضَامِنٌ لِمَا ذَهَبَ لَهُمْ؛^۴ ای مفضل! به دوستانت بگو که زکات را به اهلش بدهند و من [جبران] آنچه را از دست داده‌اند، ضمانت می‌کنم.»

۳. حفظ اموال از آفات

اثر دیگر زکات بیمه شدن اموال انسان در برابر آفات و خطرات است. روایات بسیاری زکات را «حافظ و نگهبان» برای اموال مشروع (غیر مختلط به حرام) و ضامن سلامت آنها

۱. مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۴۷۲.

۲. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۸.

۳. همان، ص ۱۴.

۴. همان، ج ۷۵، ص ۳۸۰.

۵. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، بوستان کتاب، قم، چاپ اول، ۱۳۸۴ ه. ش، حکمت ۱۴۶.

۶. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۱۳۰.

الرَّشِدِ وَنَمُو مِی بَاشَد وَ اَوْجَ اَیْنِ اِرْتِبَاطِ
ظَرِیْفِ وَ دَقِیْقِ، آیه شریفه ۱۰۳ سوره
توبه است که در آن خداوند به پیامبر
گرامی خویش دستور می دهد: «خُذْ مِنْ
أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ»؛ «از
اموال آنها زکات بگیر، تا آنها را پاک و
طاهر گردانی.»

حضرت صدیقه طاهره علیها السلام نیز با
اشاره به اهمیت پرداخت زکات در
تزکیه و تهذیب، می فرماید: «فَجَعَلَ اللَّهُ
... الزَّكَاةَ تَزْكِيَةً لِلنَّفْسِ وَنَمَاءً فِي الرِّزْقِ»^۱
خداوند زکات را برای پاک‌سازی جان و
برکت در رزق و روزی قرار داد.»

۶. فرونشاندن غضب الهی
حضرت علی علیه السلام زکات را مایه
فرونشاندن غضب الهی معرفی کرده،
در وصیتش می فرماید: «اللَّهُ اللَّهُ فِي الزَّكَاةِ
فَإِنَّهَا تُطْفِئُ غَضَبَ رَبِّكَمْ»^۲ شما را به خدا،
شمارا به خدا درباره زکات [دقت کنید]
که البته زکات غضب پروردگارتان را
فرو می نشاند.»

نتیجه این تهذیب و تزکیه، آن
است که انسان در زمره مؤمنان واقعی
قرار می گیرد؛ چنان‌که رسول خدا صلی الله علیه و آله
در وصیتش به علی علیه السلام می فرماید: «يَا
عَلِيُّ لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ الصَّلَاةُ وَالزَّكَاةُ
وَالصِّيَامُ»^۳ «ای علی! علامت و نشانه
مؤمنان [و شیعیان ما] سه چیز است:
نماز و روزه و زکات.»

۷. قبولی نماز
پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «زَكُوا أَمْوَالَكُمْ
تُقْبَلْ صَلَاتُكُمْ»^۴ زکات اموال خود را
بپردازید تا نمازتان قبول شود.»
ادامه دارد....

۵. محبوبیت در نزد خدا
امام صادق علیه السلام می فرماید: «إِنَّ أَحَبَّ
النَّاسِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَنْ كَفَّ وَأَسْحَى
النَّاسِ مَنْ آدَى زَكَاةَ مَالِهِ وَلَمْ يَبْخَلْ عَلَى

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، مؤسسة الوفاء،
بیروت، ۱۴۰۴ هـ ق، ج ۲۹، ص ۲۲۳.
۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۵۸.
۳. همان، ج ۲، ص ۷.
۴. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۲۰.
۵. الکافی، ج ۳، ص ۴۹۷.